داکتر سید خلیل الله هاشمیان
۲۰۱۵/۰۸/۱۹

نود و ششمین سالگرد استقلال افغانستان
خدا نکند با حذف نام "افغان" ازتذکرهٔ تابعیت تجلیل شود !!!

کلمهٔ "افغان" به شکل وتلفظ امروزی آن اختراع عربها است. وقتی عربها درادامهٔ فتوحات شان از طریق کشور فارس درحدود1400 سال قبل بمنطقه ای رسیدند که خراسان نامیده میشد وشامل افغانستان بود، با کلمهٔ "اپگان" آشناشدند، چونکه درآنزمان درزبان (اوستا) و(زند) و(پازند) ومردم در آن مرزوبوم "افغان" را "اپگان" میخواندند. عربهای فاتح که در زبان خود اصوات /پ/ و/گ/ نداشتند، این دوصوت رابه اصوات زبان خود شان، یعنی /ف/ و/غ/، تبدیل کردند، بنابرآن "اپگان" را "افغان" ساختند. پسوند /- ستان/ که اصلاً جزء کلمهٔ فارسی (آستان) ویک پسوند مکان است ، بمعنی ایالت/ ولایت، بعداً دردورهٔ سلطنت احمد شاه بابای درانی به کلمه "افغان" چسپانده شد واز آن (افغانستان) ساخته شد – این پسوند فارسی قبل از نام افغانستان درمنطقهٔ آسیا رایج بود، مثلا نام (هندوستان) اقلا پنجصد سال قبل از نام افغانستان رایج بوده است. اینکه کلمهٔ "اپگان" مروج درمنطقهٔ خراسان باستان چطوردرسرود های (ویدی – ریگوید) درهندوستان به /پکهت/ و/پکتها/ تغییروتحول یافته، یک موضوع مربوط بعلم(ریشه شناسی)، یک شعبهٔ علم زبانشناسی، است که ازتفصیل آن صرفنظرمیکنیم.اینقدرگزارش میبابدکه سرودهای (ریگوید) توسط آریه های مسکون درهند قبل ازظهورحضرت ابراهیم (ع) که جدامجد یهود، ممسیحیون وعربها میباشند،سروده شده- آریه ها با سواد آشنائی نداشتند لهذا این سرودهای مقدس بطورشفاهی ازنسل به نسل انتقال یافته وبعدازحدود2000 سال بخط سانسکریت نوشته شده اند.

در مناجات (ریگوید) نام قوم (پکهت) یا(پکتها) ذکرشده که نموداراهمیت وموجودیت آن درآنزمان بوده است. قوم پکتها (پشتونها) درآنوقت در دو طرف کوه سلیمان وسپین غر وکوهستانات غورسکونت داشت. در(ریگوید) آمده که "قوم پکهت درمحاربه بین ده پادشاه آریایی که بکناردریای (راوی) بوقوع پیوسته بود، شرکت کرده بود. " بقول (هیلی برانت) مورخ ومحقق درزبان و فرهنگ سانسکریت :" در(ریگوید) مذکوراست که در(اراکوشیا) قندهارقبیله ای سکونت داشت که شاه (واسودیوا) فرمانروای آن بود، و این قبیله تحت قیادت خلف او(سوداس) دامنهٔ فتوخات را تاوادی (اندس) وسیع ساخت وکارنامه های جنگی (واسودیوا) بطورافسانه یاد میشد." مورخین موجودیت پکتها را درمنطقه ای که اکنون افغانستان نامیده میشود، قبل ازظهوروسلطنت حضرت سلیمان (ع) در حدود 1000 ق.م. تخمین کرده اند (تاریخ مختصر افغانها، تالیف مولوی یعقوب حسن خان، 1312).
درسرودهای (ریگوید) کلمات پشتوونامهای مواضع قلمرو (پکتها) به کثرت ذکرشده است، مثلا :
کلمهٔ ترکیبی (گرگشت) درسانسکریت بمعنی شخصیکه درکوه ها گشت وگذارمیکند، دارای عین معنی است باکلمهٔ ترکیبی (غرغشت) در زبان پشتو؛ کلمهٔ (شرون) درسانسکرت وکلمهٔ (سربن) درپشتو عین معنی دارند؛ کلمهٔ (اپرید) درریگویدا نام یک قوم وقبیله شناخته شده، و(اپریدی) نام یک قوم پشتون درافغانستان است؛ کلمهٔ (پراچی) در سانسکریت بمعنی مشرقی است، . یک قوم افغان نیز (پراچی) نام دارد؛ کلمهٔ (اندر) در ریگوید بریک قوم وموضع درسرزمین (پکتها) استعمال شده، و(اندر) یک قوم پشتون است؛ کلمهٔ (سوواستو) در ریگوید درباب یک موضع خوش آب وهوا وسرسبزاستعمال شده، و (صوات) دارای عین خصوصیات است؛ در ریگوید نامهای (کرومو) و(گومتی) ذکر شده، که مراد از(کرم) و(گومل) است؛ مثالها خیلی زیاداست وحتی درموردثبوت کلمهٔ (پشتو) که درنتیجهٔ تحولات صوتی شکل اخیر رااختیارکرده، علم زبانشناسی شواهد کافی داردکه از ذکرآن درینجا منصرف میشوم. (توضیحات فوق را مرحوم مولوی یعقوب حسنخان اززبان پروفیسر(راهو سانکرتیاینا) عضوانجمن تحقیق پتنه که مستشرق معروف درزبانهای سانسکریت و ویدی میباشد، بهنگام بازدید اوازکابل در سال 1317هش دررساله ای بنام "پشتو از نظرفقه اللغه " نشر کرده است).

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

مورخ معروف یونانی(هیرودوتس)پکتهای ریگویدی را(پاکتویس) خوانده واهالی منطقهٔ پکتیاتا قندهارومسکونین دوطرف کوههای سلیمان را " پاکتیاها" نامیده وقبیلهٔ (افریدی) رابنام"اپاروتی" ثبت کرده است. ازنوشتهٔ او معلوم میشودکه تا قرن چهارم ق.م. مردم قندهار، غور، پکتیا و ننگرهار و خیبر "پاکتیاها" نامیده میشدند.

درمورد قدامت کلمهٔ "افغان"، قبل ازینکه عربها این نام را ساختند، کلمهٔ "اپگان" در فُرس باستان و هم درزبان (اوستا)بمعنی "مردم سوارکار" رایج بوده، حتی عین کلمه بالای منطقهٔ زیست این قوم بکارمیرفته است. تلفظ نام "افغان" به مرورزمان در لهجه های مختلف منطقه به (اوگان)، (اوغان) و (اوغو) نیر تحول کرده است.
در قدیم ترین جغرافیای فارسی (حدودالعالم بین المشرق الی المغرب) ازقرن دهم میلادی (373 هجری) کلمه ونام افغان ذکرشده و ازشهر های معروف ازقبیل قندهار، گردیز، لغمان وسول(شاید "باسول") نام گرفته، ازینقرار: "سول دهی است برکوه با نعمت، واندرو افغانان اند وچون ازینجا بروی تابه حسینان، راه اندرمیان دوکوه است." بعدازآن دربیان شهردیگراین منطقه بنام (بینهار) میگوید: "جائیست پادشاه اومسلمانی نماید و زن بسیار دارد از مسلمانان و از افغانان و از هندوان، بیش از سی کس، و دیگر مردم بت پرستند."

هکذا معلوم است که بعداز 400 هجری مورخین معروف غزنوی از قبیل (العتبی) و(البیرونی) ذکری از نام افغان کرده اند وبعداز آن دراکثرتاریخ ها "افغان" یا " اوغان" ذکر شده؛ ار آنجمله حمدالله مستوفی درتاریخ (گزیده) (730 هجری) دربسا صفحات از "اوغان" و "اوغانی" و محاربات آنها باشاهان (آل مظفر)در حدود(657دهجری) وهم از سایر وقایع آنوقت ذکرکرده؛ همچنان عبدالرزاق بن اسحق سمرقندی که از مورخین دورهٔ تیموری است ووقایع آنزمان راتا (872 هجری) گزارش داده، در بارهٔ جنگهای "اوغانان" معلومات میدهد. ابوالفضل در (آئین اکبری) و خانجهان و نعمت الله هروی در(مخزن افغانی) حادثات وشهرهاوجنگهای بیشتر "اوغان" را ثبت کرده اند. (نگاه کنید 20 مقالهٔ مرحوم پوهاند عبدالحی حبیبی، چاپ قندهار؛ سنه 2002، مهتمم مطیع الله روغپال).

مرحوم پوهاند حبیبی در اثر فوق خود دربارهٔ قدامت کلمهٔ "افغانستان" مینویسد: " قرارمعلومات موجودهٔ من، نخست درکتاب تاریخ هرات تالیف سیف ابن احمدبن یعقوب الهروی(مشهور به سیفی هروی)نام افغانستان دیده میشود و این کتاب بنام غیاث الدین کِرت درسنه 618 هجری نگاشته آمده ودرآنجا چنین نبشته است : " وخطهٔ هرات تا اقصای افغانستان وحد آموی بدومفوض کرد(یعنی به سلطان غیاث الدین کِرت مفوض کرد)."
علاوه برآن عبدالرزاق سمرقندی نیزدر(مطلع السعدین) نام (افغانستان) را درذیل وقایع سنه 785 هجری، بعد از فتوحات امیر تیموردرخراسان چنین نگاشته است: " ذکرتوجه صاحب قران به سیستان وقندهار وافغانستان..." و درذیل این فصل نامهای فراه، بست، قندهار، تخت سلیمان وغیره را بصراحت نام برده است."
مرحوم میرغلام محمدغبار درتاریخ کلاسیک خود(افغانستان درمسیرتاریخ – جلداول) تحت عنوان "نامهای تاریخی و بیرق کشور" ، قدامت کلمهٔ "افغان" را بقرن دهم میلادی (چارم هجری)تائید میکند ، قرارذیل: "... درقرن دهم میلادی کلمهٔ(افغان) که معرب (اوغان) بود، درمورد قسمتی ازقبایل پشتون کشوردرآثار نویسندگان اسلامی پدیدراشد و بتدریج مفهوم آن وسیعتر شده میرفت تا درقرن 18م درمورد قسمتی ازولایات شرقی کشوراطلاق گردید- درقرن 14م این اسم مخصوص علاقهٔ تخت سلیمان وماحول آن درمشرق کشوربود. درقرن 16 م علاقه های جنوب کابل عنوان مُلک(افغان) گرفت - درقرن 18م از دریای سند تاکابلستان وازنزدیک کشمیرونورستان تا قندهار وملتان، مسکن "افغان ها" خوانده شد- بالاخره درقرم 19 م نام (افغانستان) بصفت نام رسمی این کشور قرارگرفت." (تاریخ غبار، ص 9).

من این مرور تاریخی را بخاطری لازم دانستم تا کسانی را ملتفت بسازم که با موجودیت نام نامی (افغان) در تذکرهٔ تابعیت مردم افغانستان مخالفت دارند – اینها کسانی اند که درمدت 14 سال اخیربقسم" نو بدولت رسیده ها" از خیرات دالر و قدرت امریکا میخواهند هویت ملی این خاک و کشور و مردم آنرا بخاطر بقای قدرت شخصی خود تغییردهند. اکثراین "نوبدولت رسیده ها" نه تحصیلات کافی دارند، نه تاریخ کشور خود را خوانده اند، و نه به تاریخ علاقه دارند، بلکه میخواهند بزور تفنگ تاریخ این کشوروفرهنگ سه هزارساله را تغییربدهند- جای خوشبختی و مسرت و افتخار است که مردم شریف پکتیا تذکره ای راکه نام وهویت (افغان) را نداشته باشد، نپذیرفتند – به شهادت تاریخ که شمهٔ آن در بالا گزارش یافت، همه اقوام شریف افغانستان(هزاره، تاجک، ازبک، پشتون، سادات

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

وغیره)اولتر به هویت ملی خود که (افغان) است تعلق دارند وسپس به هویت قومی خود میتوانند افتخارکنند. اگرکلمۀ با افتخار(افغان) را از تذکرۀ تابعیت افغان بیرون سازند، درحقیقت حکم تجزیۀ افغانستان راکه از اقوام مختلف وبرادروبرابر ساخته شده، صادرمیکنند. غنای طبیعی (معادن، گاز، پطرول) که به زیراین خاک مدفوق است بیک قوم تعلق نداشته، به ملت افغان، یعنی بهمه اقوام افغانستان مساویانه تعلق دارد- یکعده جنگساران که ازخیرات امریکا تفنگ وقدرت یافته اند، میخواهند با حذف نام (افغان) از تذکره تابعیت، منابع طبیعی افغانستان وملت افغان را برای خود وقوم خود غصب کنند، چنانچه معدن زمرد درپنجشیر ومعدن لاجورد دربدخشان به این مصیبت دچارشده اند – این حکومت نوتاسیس دوقطبی که خودرا "وحدت ملی" میخواند، اگر واقعاً وحت ملی مدنظرباشد، این وحدت ملی از طریق حفظ کلمۀ(افغان) درهمه شئونات دولت، خوبترتبارزیافته میتواند– آیا نام تاجک یا نام هزاره یا نام پشتئون به تنهائی معرف (افغانستان) شده میتواند؟؟؟ اما (افغانستان) معرف هریک از اقوام ساکن درین سرزمین بوده وخواهد بود- مثلاً وقتی (افغانستان) میگوئیم، اگر کلمۀ با افتخار(افغان) را از آن جداسازید، آنچه باقی میماند(- ستان) است که پسوند مکان است – ولی اگر شما نام (افغانستان) را(تاجکستان) بگذارید، مملکتی به این نام قبلا بوجودآمده است، اکرنام (افغانستان) را (ازبکستان) بگذارید، مملکتی به این نام قبلا بوجودآمده است، اگرنام (افغانستان) را(هزارستان) بمانید وچنین تلاشی ده سال قبل نیز صورت گرفته بود که نه مردم افغانستان و نه دنیا آنرا پذیرفتند- پس آنچه بما باقی مانده وخواهد ماند نام نامی (افغانستان) است ودرین نام کلمۀ (افغان) معرفه و(- ستان) پسوند مکان است – من آقای (اتمر)را ندیده ام و اورانمی شناسم ، اما وقتی ازسعی بی منطق او بمردم پکتیا شنیدم، تعجب کردم که این شخص با چه نوع دانش و نبوغی در چوکی ریاست امنیت ملی افغانستان نشسته است !؟ امید است مردم شریف همه ولایات افغانستان این ننگ ملی را تقبیح و رد کنند- رسانه ها وظیفه دارند رسالت ملی خود را درین راستا انجام دهند.

آقای داکتراشرف غنی که بدانشمند معروف است، معلوم میشود که برای باقی ماندن به این چوکی لقه واین موتر دواشترنگه علاقمندی خاص دارد، ولی آیا او برای حفظ شخصیت ومقام خود وهویت ملی کشورخود حاضر بیک تصمیم ملی با یکمقدار قربانی است یا خیر؟ هررئیس جمهوردرکشورخوداختیارات فوق العاده دارد – میدیای امریکا چند روز قبل خبردادکه اگر مجلس نمایندگان امریکا درتحت نفوذ اسرائیل قراردادمصالحه با ایران را رد کند، رئیس جمهوراوباما آنرا (ویتو) خواهد کرد. رئیس جمهور(غنی) نیز حق استفاده از ویتورا دارد وباید با استفاده ازحق (ویتو) کلمه با افتخار(افغان) را درتذکرۀ تابعیت شامل سازد و درحلول نود وششمین سالگرد استقلال افغانستان، ازتجزیه واختلافات قومی درافغانستان جلوگیری نماید، که اگر بخاطر حفظ چوکی و قدرت چند روزه ازین تخریب ملی جلوگیری نکند، درتاریخ افغانستان بحیث یک (زعیم خودخواه وبی مسئولیت)، یک (دانشمندبی پرنسیپ)، و یک (پشتون بی غیرت) شناخته خواهد شد.

شنیده میشود که صدور فرمان برای حذف کلمۀ (افغان) از تذکره تابعیت، ازطریق فشار بالای داکتر اشرف غنی تا سه روز دیگر امضاء میشود- اگر این اهانت وتوهین ملی خدا ناخواسته صوردت بگیرد، آنهم به تقریب از تجلیل نود وششمین سالگرد استقلال افغانستان، درحقیقت معنی تجزیۀ افغانستان و سقوط افغانستان نوین رادارد که اعلحضرت امپراطور احمد شاه درانی سه قرن پیش بنیاد آنرا گذاشنته بود. فاعتبروا یا اولی الابصار.

نود وششمین سالگرد استقلال افغانستان عزیز در(28 اسد) را بهمه هموطنان تبریک میگویم وامیدوارم این ملت که درمقابل تجاوز انگلیس و روس ایستدگی کرده، درمقابل ارتجاع د اخلی نیزایستاده گی نماید و نام نامی (افغان) را درهویت خود برای ابد حفظ کند.

با عرض حرمت – سیدخلیل الله هاشمیان – 17 آگست 2015

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ